

آرتور جان آربری

دکتر عیسی صدیق
استاد دانشگاه تهران

کتابخانه پهلوی در آبانماه امسال بمناسبت درگذشت سه تن از خاورشناسان و ایران دوستان معروف که اخیراً چهره در نقاب خاک در کشیده بودند مراسمی برپا داشته بود .

در این مراسم آقای دکتر صدیق اعلم راجع به آربری، آقای دکتر علی اکبر سیاسی در احوالات هانری ماسه و آقای دکتر نصر رئیس دانشکده ادبیات دربارهٔ پرفسور اسحق سخن گفت و با آنکه در شماره گذشته مجله شرح حال آربری چاپ شده بود در این شماره نیز متن سخنرانی جامع و ممتع جناب آقای دکتر صدیق اعلم که در دانشکده ادبیات ایراد فرموده اند چاپ میشود.

باید بدوا از جناب آقای دکتر نصر رئیس دانشکده ادبیات تشکر کرد که این مجلس را برای قدرشناسی و تجلیل از دوستان ادب و فرهنگ ایران بوجود آورده اند.

در این مجلس بدهوت ایشان باید راجع باحوال و خدمات پرفسور آربری صحبت کنم. نظیر این دعوت در ۱۳۰۴ برای ادوارد براون و در ۱۳۲۴ برای نیکلسن از من بعمل آمد.

شاید علت این بود که بنده معاونت ادوارد براون را در دانشگاه کیمبریج بعهده داشتم و از نزدیک باخلاق و روحیات آن رادمرد عاشق ایران پی برده بودم و نیکلسن شاگرد و جانفین براون بود و آربری شاگرد نیکلسن و باین ترتیب تصور شده است که آشنائی به سلسله استادان زبان

وادبیات فارسی دانشگاه کیمبریج دارم. اینک برحسب وظیفه‌ایکه بمن محول شده فهرست وار اطلاعات معمولی که دارم بمرض میرسانم:

خبر فوت پرفسور آربری در اواخر مهرماه بتهران رسید و دوستان او و دانشمندان ایران بویژه استادان دانشگاه را مغموم و متالم ساخت. بهمین سبب در اینجا گرد آمده‌ایم تا از درگذشت او ابراز تأثر و از شخصیت او تجلیل و از خدمات او بفرهنگ ایران سپاسگزاری کنیم.

آرتورجان آربری Arthur John Arberry در ۱۹۰۵ در

کوی کارگری بندر پرتسموت Ports mouth در جنوب انگلستان پا برصه وجود نهاد و از بدو ورود بدین جهان با دو عامل جان فرسای دست بگریبان بودیکی کم بنیه گی و ضعف در اثر تولد قبل از موقع و دیگر تهیدستی و در تمام عمر باشجاعت قابل ستایش و همت بلندبر آنها فائق آمد. آخرین شغل پدرش استواری در نیروی دریائی انگلیس بود و مادرش پیش از ازدواج مجبور بکار کردن بود تا بپودجه خانواده کمک کند.

دوره تحصیلات اجباری در انگلستان در آن موقع تا ۱۲ سالگی بودو

پس از اتمام آن دوره برای آربری وسیله ادامه تحصیل فراهم نبود. اما کسانیکه بضاعت نداشتند ولی بااستمداد بودند میتوانستند در امتحانات خاصی شرکت جویند و باخذ کمک خرج تحصیلی برای ورود بدیورستان نائل شوند.

در بندر پرتسموت بدین منظور سالی ده کمک هزینه تحصیلی داده میشدو آربری بواسطه هوش سرشار و کوشش بسیار در همان سال ۱۹۱۷ که دوره ابتدائی را

پایان رسانده بود توانست یکی از ده کمک هزینه تحصیلی را بدست آورد و چهار سال بعد در ۱۹۲۱ در امتحان نهائی متوسطه که در آن تاریخ موسوم

بود به Senior Cambridge در رشته زبانهای باستانی یعنی یونانی و لاتین پذیرفته شد. از این پس تمام مساعی خود را بکاربرد تا خود را برای

مسابقه اخذ کمک هزینه تحصیلی و ورود بدمدرسه پمبروک Pembroke College

که یکی از مدارس اصلی و قدیمی دانشگاه کیمبریج است آماده کند. بدین منظور سه سال در دیورستان پرتسموت بتحصیل خود ادامه داد و شاهکارهای

مهم یونانی و لاتین را مطالعه کرد تا در ۱۹۲۴ برای ورود بدمدرسه پمبروک

و دانشگاه کیمبریج صلاحیتش مورد تصدیق واقع شد.

در ۱۹۲۷ باخند درجه B.A. در زبانهای باستانی از دانشگاه کیمبریج نائل گشت و با اینکه شدیداً مایل بادامه تحصیل بود در اثر ضیق معیشت عقب کار میگذشت که تصادفاً یکی از استادانش بنام ایس مینز Ellis Minns باو گفت که پرفسور براون ایران شناس شهریه‌نگام رحلت مبلغی برای کمک بدو اطلب تحصیل خاورشناسی در اختیار مدرسه پمبروک گذاشته که در صورت تمایل ممکن است بوی داده شود. آربری فوراً درخواست داد و مورد قبول واقع شد و با اخذ کمک هزینه براون در مدرسه پمبروک شروع بتحصیل زبان فارسی و عربی کرد. معلمان فارسی و عبارات بودند از پروفسور نیکلسن شاگردو جانشین پروفسور براون و روبن لیوی Reuben Levy که در ۱۹۱۷ - ۱۹۱۶ شاگرد بنده در دانشگاه کیمبریج بود.

آربری بواسطه کوشش بسیار و تحصیلات قبلی توانست بجای سه سال، دوره زبان فارسی و عربی را ظرف دو سال پایان رساند و در ۱۹۲۹ با امتیاز باخند درجه نائل گردید. بلافاصله پرفسور نیکلسن او را مأمور کرد که با اخذ کمک هزینه رایب Wright کتاب مواقف نفری را مطالعه و تنقیح و ترجمه و طبع کند.

در ۱۹۳۱ مدرسه پمبروک آربری را بمنوان پژوهشگر مبتدی Junior Research Fellow انتخاب نمود و باو پیشنهاد کرد که بنأسی از مرحوم پروفسور براون یکسال بمشرق زمین سفر کنند و ازنزدیک با فرهنگ مردمی که زبانشان را فرا گرفته آشنا شود. آربری بدوا استانبول را برگزید و زبان ترکی را یاد گرفت ولی باز بملاحظات مالی ناچار شد به قاهره رود. در آنجا شروع بمطالعه کتب خطی کتابخانه ملی نمود و چیزی نگذشت که بریاست شعبه زبانهای باستانی دانشگاه قاهره انتخاب شد و دو-سال بدین کار اشتغال داشت و ضمناً با دوشیزه‌ای از کشور رومانی ازدواج کرد و دختری پیدا کرد که تنها فرزند اوست. دهه‌بین دو سال از فلسطین و لبنان و سوریه دیدن کرد.

در ۱۹۳۴ بمعاونت کتابخانه وزارت هندوستان در لندن منصوب گردید

و در آنجا به تحقیق و تتبع پرداخت و همین که نائمه جنگ جهانی دوم در ۱۹۳۹ مشتمل شد بوزارت اطلاعات منتقل گردید و برای ایجاد تفاهم بین انگلستان و خاورمیانه مقالات و رسالاتی منتشر کرد و نطق‌هایی ایراد کرد و از تأثیر آنها در مشرق زمین آگاه شد و با اهمیت خاورشناسی در ایجاد حسن تفاهم بین ملل آسیا و افریقا و اروپا پی برد. از رسالاتی که در مدت جنگ انتشار داد سه رساله مربوط بکشور ما بود تحت عنوان جونز آسیایی Asiatic Jones و خدمات بریتانیا با ایران شناسی

British Contributions to Persian Studies

و خاور شناسان انگلیسی

در اواخر جنگ جهانی در ۱۹۴۴ پروفیسور مینورسکی استاد روسی-

الاصل دانشگاه لندن بازنشسته شد و آربری بجای او برای تدریس فارسی انتخاب گردید. در ۱۹۴۶ ریاست شعبه خاورمیانه دانشگاه لندن با و تفویض گشت.

در ۱۹۴۷ کرسی سرتماس آدام در دانشگاه کیمبریج یعنی همان کرسی که قبلاً پروفیسور براون و نیکلسن شاغل بودند به آربری واگذار شد که تا پایان عمر برعهده داشت.

نخستین بار که من آربری را ملاقات کردم در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۴۷ مطابق ۱۵ خرداد ۱۳۲۶ بود که بدعوت آقای تقی زاده سفیر ایران در انگلستان در انجمن ایران راجع بر روابط فرهنگی ایران و مغرب زمین در لندن صحبت کردم. در آن روز پروفیسور آربری ریاست جلسه سخنرانی را برعهده داشت و در پایان سخنرانی نسبت با اهمیت فرهنگ ایران مطالبی اظهار داشت که برای پی بردن به احساسات او چند جمله آنرا نقل میکنم. وی گفت دقتیده و ایمان من این است که در صورت استقرار صلح و آرامش ممتد در جهان، نیروی مننوی و فرهنگی ایران که در قرون اخیر در حال سکون بود خدماتی بعلم و فرهنگ دنیا خواهد کرد که لااقل مساوی با خدمات گذشته باشد و فکر میکنم تمام کسانی که در مغرب زمین افتخار آشنایی عمیق با فرهنگ ایران دارند با من هم عقیده اند. ایران تانک یا بمب اتمی نساخته ولی وسایلی

بوجود آورده که انسان از زندگانی بهره برگیرد یعنی هنر و علوم و دانش پزشکی برای آسایش بشر - شعر و نقاشی و موسیقی و تمام آنچه بزندگی ارج میدهد مفروضه براینکه مردمان بایکدیگر در صلح زیست کنند

این گونه احساسات بود که مرا از ارادتمندان آربری کرد و ظرف ۲۲ سال اخیر چند بار بملاقات او نائل شدم و همواره با او مکاتبه داشتم و او نیز کمال محبت را نسبت بمن داشت و عده‌ای از بهترین تألیفات خود را برای من می‌فرستاد و من نیز کتبی که مفید میدانستم برای او ارسال میداشتم.

یکی از این دفعات در ۱۹۶۲ بود که بمناسبت سالگرد صدمین سال تولد ادوارد براون دانشگاه کیمبریج مراسم رسمی برپاساخته و از من دعوت کرده بود که در آن مراسم شرکت جویم. در آن جلسه باشکوه که بزرگترین استادان دانشگاه و هم‌چنین سفیر ایران آقای محسن رئیس و بانو حضور داشتند آربری حق شناسی خود را نسبت به براون ابراز داشت و از اینکه دولت و ملت ایران در همان موقع با وضع قانون خاص بیاس خدمات براون کمک هزینه تحصیلی بنام او برای پژوهش در فرهنگ ایران تخصیص داده بود تشکر کرد. بنده نیز در آن مجلس شرحی راجع با اخلاق و روحیات و عواطف براون ایراد کردم.

آخرین بار که آربری را در کیمبریج ملاقات کردم روز ۲۸ ژانویه ۱۹۶۷ بود. در آن تاریخ قریب یکسال ونیم بود که آن عامل جان فرسای که دربدو عرایضم ذکر کردم بصورت اختلال اعصاب و پارکینسن **Parkinson** بروز کرده بود و بزحمت میتوانست از دست راست استفاده کند و خانش هم در اثر بیماری تورم شاه رگ **Arthritis** قادر بحرکت نبود و آربری با وجود رخشه دست و نا توانی ناگزیر بخدمت همسر عزیزش بود. آربری با اینکه میدانست مرضش علاج ناپذیر است و بتدریج تمام اعصابش را فرامیگیرد با نهایت شجاعت کارهای علمی خود را دنبال میکرد بطوریکه یکی از تألیفاتش در همین ایام اخیر انتشار یافت. در نامه‌ای که در ژانویه ۱۹۶۹ بمن نوشته با درد ورنج زیاد بادست چپ آنرا ماشین کرده و امضایش

واضح و خوانا نیست. در آن نامه از ناتوانی در تألیف و تحریر گله ندارد و مینویسد که علیرغم مرض مهلك همچنان بادامه تدریس اشتغال دارد و خشنود است که طبق تمایلات قلبی توانسته است در عمر خویش به تحقیق و تألیف پردازد و منشاء خدمتی شود.

مهمترین خدمت آربری علاوه بر تدریس زبان فارسی و عربی تألیف و ترجمه رسالات و کتابهایی است که منتشر کرده و شماره آنها تا آنجا که بنده اطلاع دارم از ۵۴ جلد متجاوز است و میتوان آنها را بچهار دسته تقسیم کرد.

دسته اول ترجمه برگزیده‌هایی است از شاهکارهای زبان فارسی بخصوص اشعار عارفانه چون

پنجاه غزل از حافظ (مثنی و ترجمه منظوم)

Fifty Poems of Hafiz

Mystical Poems of Rumi شمس دیوان شمس

حکایاتی چند از مثنوی (۲ جلد)

Tales and more Tales From the Masnavi

Muslim Saints and Mystics تذکره الاولیای عطار

Discourses of Rumi فیه مافیہ جلال الدین مولوی

گل سرخ جاویدان (از سنائی - عطار - رومی - سعدی - جامی)

Immortal Rose

بشمر انگلیسی

The Ruba'iyat of Rumi

رباعیات رومی

Salaman and Absal

سلامان و ابسال جامی

رباعیات خیام (مثنی و مقایسه ترجمه‌های قبلی و ترجمه تحت اللفظی

بقلم آربری)

The Ruba'iyat of Omar Khayyam

سه جلد از آثار اقبال لاهوری (جاویدنامه - رموز بیخودی -

Javid Nama

زبور عجم)

The mysteries of Selflessness

Persian Psalms

دسته دوم : تألیفاتی است راجع بایران مانند :
عالمترین نمونه ادبیات فارسی

Modern Persian Literature

Avicenna on Theology ابن سینا در باب حکمت الهی

The Spiritual Physick of Rhazes طب روحانی رازی

میراث ایران با همکاری چند تن از خاورشناسان انگلیس

The legacy of Persia

دسته سوم: رسالات و کتابهایی است که راجع به تصوف و اسلام تألیف

کرده مانند:

The Doctrine of the Sufis

عقاید صوفیه

Sufism

تصوف

مقدمه تاریخ تصوف

Introduction to the History of Sufism

صفحاتی از کتاب لمع ابن سراج طوسی

Pages From the Kitab al-Luma'

The Holy Koran

قرآن مجید

The Koran Interpreted

تفسیر قرآن

The Koran Illuminated

قرآن مذهب

The Mawaqif of Niffari

مواقف نیری

Reason and Reuelation in Islam عقل و وحی در اسلام

مظاهر تمدن اسلامی طبق متون اصلی

Aspects of Islamic Civilization

As depicted in the Original Texts

دسته چهارم: کتب و رسالاتی است که راجع بزبان و ادبیات عرب

ترجمه یا تألیف کرده مانند:

Modern Arabic Poetry	اشعار جدید عربی
Poems of Al - mutanabbi	اشعار مثنوی
Moorish Poetry	اشعار مغربی
	قصاید عرفانی ابن فرید

Mystical Odes of Ibn al - Farid

منظور عمده آربری در ترجمه برگزیده شاهکارهای ادبیات فارسی این بود که آنها را در دسترس عموم مردم بگذارد و به شناساندن افکار و عواطف بزرگان شعر و ادب ایران بمغرب زمین و ایجاد تفاهم بین المللی کمک کند. آربری میگفت که بدون انتظار پادشاه هدفهایی که پروفیسور براون و نیکلسن تعقیب میکردند دنبال میکند و مساعی خود را بکارمبیرد تا مشملی را که براون برافروخته است فروزان نگاهدارد.

آربری بواسطه دوستی که با چستر بی **Chester Beatty** توانگر باذوق انگلیسی داشت از کتابهای خطی گرانبهای مجموعه های نفیس او استفاده فراوان کرد چنانکه رباعیات خیام و غزلیات شمس را با استفاده از نسخه های نزدیک بحیات آنان بانگلیسی نقل کرد.

خدمت دوم آربری توفیق او در ایجاد کرسی مستقلی است برای تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه کیمبریج. کرسی سرتاسر آدم

Sir Thomas Adam که از قدیم وجود دارد مخصوص زبان عربی است ولی شافل آن میتواند بتدریس زبان و ادبیات فارسی و ترکی هم پردازد چنانکه براون و نیکلسن و آربری قسمت اعظم وقت خود را صرف زبان و ادبیات فارسی کردند. اکنون علاوه بر کرسی مذکور کرسی مستقلی برای زبان فارسی بااستاد جداگانه بوجود آمده است.

خدمت سوم آربری ابتکار اوست در تشکیل انجمن خاور شناسان بریتانیا **Association of British Orientalists** برای هماهنگی ساختن تحقیقات و تعلیمات مربوط بخاور شناسی در انگلستان و بررسی مسائل مشترک میان خاورشناسان. تا ۱۹۴۷ خاورشناسی تنها در چند مرکز از

دانشگاه هامورد توجه بود. در دسامبر ۱۹۴۴ یعنی در اواخر جنگ جهانی دوم سرانثونی ایدن Sir Anthony Eden وزیر امور خارجه که زبان فارسی را در دانشگاه اکسفورد نزد لیوی Levy آموخته بود کمیسیونی معین کردم که باز پانزده نفر بریاست اسکاربرو Earl of Scarborough تا تسهیلاتی که در انگلستان برای تحصیل زبان و فرهنگ خاور زمین و اروپای شرقی و افریقا موجود است مورد رسیدگی قرار دهد و برای اصلاح آنها توصیه‌هایی بکنند. کمیسیون مذکور گزارش مبسوطی تقدیم کرد که معروف است به منشور خاور شناسی نوین و در ۱۹۴۸ بتصویب مجلس انگلیس رسیده و اعتباراتی برای عملی ساختن پیشنهادات تخصیص داده شده است. بموجب توصیه کمیسیون می‌بایست سازمان خاورشناسی توسعه یابد و در اغلب دانشگاهها بوجود آید. از پیشنهادهای کمیسیون فقط قسمتی تاکنون اجرا شده و انجمن خاورشناسان بریتانیا که به پیشنهاد آربری بوجود آمد برای این بود که فعالیت دانشگاهها را در امور خاورشناسی هماهنگ سازد.

دولت ایران که از علاقه و خدمات پروفیسور آربری بفرهنگ ایران آگاه بود در بیست سال اخیر چند بار او را بایران دعوت کرد ولی بواسطه نقامت و گرفتاری و عدم رغبت بمسافرت باهواپیما آمدن او امکان پذیر نشد. در مرداد ۱۳۴۲ شورای عالی فرهنگ بپاس خدمات او نشان درجه اول دانش را باواعطا کرد که طی تشریفات خاصی در سفارت ایران درلندن بوی تسلیم شد و در او تاثیر فوق العاده کرد و همواره از توجه و فرهنگ پروری ایران از سمیم قلب سپاسگزار بود.

اکنون دیگر آربری درمیان مانیست و ازجهان خاکي رخت برسته ولی آثاری که باعشق و علاقه از خود بجای گذاشته نام او را پیوسته زنده نگاه خواهد داشت و افکار او در خاطرهما باقی خواهد ماند.

بعداز وفات تربت مادر زمین مجوی

در سینه‌های مردم عارف مزار ماست .